



اهل بیت (ع) در قرآن و حدیث

(رشته الهیات)

دکتر محمدجواد سعدی

امروزه کتاب‌خوانی و علم‌آموزی، نه تنها یک وظیفه‌ی ملی، که یک واجب دینی است.

مقام معظم رهبری

در عصر حاضر یکی از شاخصه‌های ارزیابی رشد، توسعه و پیشرفت فرهنگی هر کشوری میزان تولید کتاب، مطالعه و کتاب‌خوانی مردم آن مرز و بوم است. ایران اسلامی نیز از دیرباز تاکنون با داشتن تمدنی چندهزارساله و مراکز متعدد علمی، فرهنگی، کتابخانه‌های معتبر، علما و دانشمندان بزرگ با آثار ارزشمند تاریخی، سرآمد دولت‌ها و ملت‌های دیگر بوده و در عرصه‌ی فرهنگ و تمدن جهانی به‌سان خورشیدی تابناک همچنان می‌درخشد و با فرزندان نیک‌نهاد خویش هنرنمایی می‌کند. چه کسی است که در دنیا با دانشمندان فرزانه و نام‌آور ایرانی همچون ابوعلی سینا، ابوریحان بیرونی، فارابی، خوارزمی و ... همچنین شاعران برجسته‌ای نظیر فردوسی، سعدی، مولوی، حافظ و ... آشنا نباشد و در مقابل عظمت آنها سر تعظیم فرود نیاورد. تمامی این افتخارات ارزشمند، برگرفته از میزان عشق و علاقه فراوان ملت ما به فراگیری علم و دانش از طریق خواندن و مطالعه منابع و کتاب‌های گوناگون است. به شکرانه‌ی الهی، تاریخ و گذشته ما، همیشه درخشان و پربار است. ولی اکنون در این زمینه در چه جایگاهی قرار داریم؟ آمار و ارقام ارائه‌شده از سوی مجامع و سازمان‌های فرهنگی در مورد سرانه‌ی مطالعه‌ی هر ایرانی، برایمان چندان امیدوارکننده نمی‌باشد و رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز از این وضعیت بارها اظهار گله و ناخشنودی نموده‌اند.

کتاب، دروازه‌ای به سوی گستره‌ی دانش و معرفت است و کتاب خوب، یکی از بهترین ابزارهای کمال بشری است. همه‌ی دستاوردهای بشر در سراسر عمر جهان تا آنجا که قابل کتابت بوده است، در میان دست‌نوشته‌هایی است که انسان‌ها پدید آورده و می‌آورند. در این مجموعه‌ی بی‌نظیر، تعالیم الهی، درس‌های پیامبران به بشر، و همچنین علوم مختلفی است که سعادت بشر بدون آگاهی از آنها امکان‌پذیر نیست. کسی که با دنیای زیبا و زندگی‌بخش کتاب ارتباط ندارد بی‌شک از مهم‌ترین دستاوردهای انسانی و نیز از بیشترین معارف الهی و بشری محروم است. با این دیدگاه، به‌روشنی می‌توان ارزش و مفهوم رمزی عمیق در این حقیقت تاریخی را دریافت که اولین خطاب خداوند متعال به پیامبر گرامی اسلام (ص) این است که «بخوان!» و در اولین

سوره‌ای که بر آن فرستاده‌ی عظیم‌الشان خداوند، فرود آمده، نام «قلم» به تجلیل یاد شده‌است: «اقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ. الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ» در اهمیت عنصر کتاب برای تکامل جامعه‌ی انسانی، همین بس که تمامی ادیان آسمانی و رجال بزرگ تاریخ بشری، از طریق کتاب جاودانه مانده‌اند.

دانشگاه پیام‌نور با گستره‌ی جغرافیایی ایران‌شمول خود با هدف آموزش برای همه، همه‌جا و همه‌وقت، به‌عنوان دانشگاهی کتاب‌محور در نظام آموزش عالی کشورمان، افتخار دارد جایگاه اندیشه‌سازی و خردورزی بخش عظیمی از جوانان جویای علم این مرز و بوم باشد. تلاش فراوانی در ایام طولانی فعالیت این دانشگاه انجام پذیرفته تا با بهره‌گیری از تجربه‌های گرانقدر استادان و صاحب‌نظران برجسته کشورمان، کتاب‌ها و منابع آموزشی درسی شاخص و خودآموز تولید شود. در آینده هم، این مهم با هدف ارتقای سطح علمی، روزآمدی و توجه بیشتر به نیازهای مخاطبان دانشگاه پیام‌نور با جدیت ادامه خواهد داشت. به‌طور قطع استفاده از نظرات استادان، صاحب‌نظران و دانشجویان محترم، ما را در انجام این وظیفه‌ی مهم و خطیر یاری‌رسان خواهد بود. پیشاپیش از تمامی عزیزانی که با نقد، تصحیح و پیشنهادهای خود ما را در انجام این وظیفه‌ی خطیر یاری می‌رسانند، سپاسگزاری می‌نماییم. لازم است از تمامی اندیشمندانی که تاکنون دانشگاه پیام‌نور را منزلگاه اندیشه‌سازی خود دانسته و ما را در تولید کتاب و محتوای آموزشی درسی یاری نموده‌اند، صمیمانه قدردانی گردد. موفقیت و بهروزی تمامی دانشجویان و دانش‌پژوهان عزیز آرزوی همیشگی ما است.

دانشگاه پیام‌نور

فهرست مطالب

هفت

پیشگفتار

بخش اول: اهل بیت (ع) در قرآن

۱	اهداف کلی
۱	اهداف یادگیری
۲	۱.۱. مفهوم اهل بیت (ع)
۵	۲.۱. آیات قرآن و اهل بیت (ع)
۶	۳.۱. چرا نام اهل بیت (ع) در قرآن نیامده است؟
۱۰	۴.۱. آیاتی که با تفسیر احادیث معتبر درباره اهل بیت (ع) است
۱۰	۱.۴.۱. آیه تطهیر (اهل بیت (ع))
۲۲	۲.۴.۱. آیه ذی القربی (مودت)
۳۵	۳.۴.۱. آیه مباحله
۴۴	۴.۴.۱. آیه اولی الامر
۵۳	۵.۴.۱. آیه صادقین
۵۸	۶.۴.۱. آیه صلوات
۶۶	خودآزمایی

بخش دوم: اهل بیت (ع) در حدیث

۷۵	اهداف کلی
۷۵	۱.۲. فلسفه مطرح شدن موضوع «اهل بیت (ع)» در قرآن و حدیث
۷۶	۲.۲. امامت عامه
۷۶	۳.۲. مناصب پیامبر اکرم (ص)
۷۷	۱.۳.۲. ولایت پیامبر
۷۹	۲.۳.۲. تکلیف مسئولیت‌های پیامبر (ص) پس از آن حضرت
۸۰	۴.۲. ضرورت امامت پس از پیامبر (ص)

۸۱	۱،۴،۲. اقتضای حکمت الهی بر هدایت مستمر مردم
۸۱	۲،۴،۲. ضرورت کارشناسی دین
۸۲	۳،۴،۲. لزوم وجود رهبری الهی برای هدایت انسان‌ها در حیات باطنی و معنوی خود
۸۳	۴،۴،۲. خردورزی و دلسوزی رسول خدا
۸۵	۵،۴،۲. لزوم تقدم افضل بر مفضول و قبح ترجیح مرجوح بر راجح
۸۶	۶،۴،۲. حق طاعت و بندگی خداوند
۸۶	۷،۴،۲. لطف الهی بر استمرار هدایت و سعادت مردم
۸۷	۵،۲. مسئولیت‌ها و شئون امام
۸۷	۱،۵،۲. خلافت یا رهبری سیاسی - اجتماعی
۹۱	۲،۵،۲. مرجعیت دینی و علمی
۹۵	۳،۵،۲. ولایت معنوی و باطنی
۹۹	۴،۵،۲. الگوی عملی در نظام تربیتی
۹۹	۶،۲. وصایت و تنصیف
۱۰۱	۷،۲. امامت خاصه
۱۰۲	۸،۲. معرفی اهل بیت (ع)
۱۰۵	۱،۸،۲. معرفی شخصیت و فضائل اهل بیت (ع) از دیدگاه پیامبر (ص)
۱۰۵	۲،۸،۲. مراد از معرفت امام زمان از دیدگاه پیامبر (ص)
۱۱۱	۳،۸،۲. نقش اهل بیت (ع) در جامعه‌ی بشری
۱۳۱	۴،۸،۲. ویژگی‌ها و صفات اهل بیت (ع)
۱۳۷	۵،۸،۲. وظائف امت اسلامی در برابر اهل بیت (ع)
۱۳۸	حقوق اهل بیت (ع) بر مردم
۱۴۷	۶،۸،۲. پیشوایان ستمکار و دشمنان اهل بیت (ع)
۱۵۰	۷،۸،۲. وصایت و خلافت پیامبر
۱۵۴	نتیجه‌گیری
۱۵۵	خودآزمایی
۱۵۹	پاسخنامه
۱۶۰	منابع و مأخذ

پیشگفتار

پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) در حدیث متواتر نزد شیعه و سنی فرمود: «من دو یادگار گران بها نزد شما مسلمانان به امانت می گذارم یکی قرآن است و دیگری اهل بیت (ع) و عترتم تا هنگامی که به این دو - باهم - چنگ زنید (و پیرو هر دو باشید) هرگز گمراه نگردید. این دو نیز از یکدیگر جدائی نمی پذیرند تا - روز قیامت - در کنار حوض کوثر نزد من حاضر گردند.»

با این دقت در این حدیث شریف معلوم می گردد که سعادت مسلمانان درگرو پیروی از قرآن و اهل بیت (ع) پیامبر (علیهم السلام) است. این نیز در صورت همراهی باهم موجب سعادت مسلمانان می گردد. لذا همه مسلمانان باید حول محور این دو گرد هم آیند و متحد گردند. نکته مهم و ظریف آنکه خوشبختانه همه مسلمانان درباره قرآن و عترت نگاه مثبت دارند. برای تحقق آثار پیروی از این دو لازم است. معرفت مسلمانان به قرآن و عترت افزون گردد و فرمان پذیری آنان از قرآن و اهل بیت (ع) مستحکم و روشن باشد.

قرآن و اهل بیت (ع) سند معتبر اسلام و رابط محکم بین مسلمانان و پیامبر (ص) هستند. مسلمانان می توانند گرد این دو باهم متحد گردند و سعادت ابدی جوامع اسلامی را رقم زنند.

درس «اهل بیت (ع) در قرآن و حدیث» برای ۲ واحد مطابق سرفصل های آن ارائه گردیده است. تلاش مؤلف در تألیف کتاب بر آن بوده است که:

- ادبیات این کتاب روشن و متناسب فهم و دانش دانشجویان دانشگاه‌ها باشد.
 - در راستای حدیث ثقلین، این درس زمینه تفاهم و تعامل بیشتر مسلمانان را فراهم نموده، موجبات اتحاد و هم‌دلی بیشتر آنان گردد.
 - مستندات این کتاب مورد قبول امت اسلامی باشد.
 - مباحث کتاب بر پایه اصول مسلم و دلایل مستحکم پی‌ریزی شده و کمبود و خلل دلیل‌ها با احادیث دیگر جبران گردد. احادیث مورد قبول شیعه و سنی نیز در راستای تأیید و تکمیل همدیگر باشد.
 - قابلیت تدریس و خودخوانی و طرح پرسش‌های تشریحی و تستی را داشته باشد.
- امید است با عنایت الهی مؤلف در اراده‌ی آنچه که در نظر داشته است موفق بوده باشد. تا چه قبول افتد و چه در نظر آید.

بخش اول

اهل بیت (ع) در قرآن

اهداف کلی

هدف از تدوین این کتاب، آن است که اهل بیت (ع) پیامبر (ص) را از دیدگاه لغت و دانشمندان اسلامی معرفی نموده، مصادیق آن را در قرآن و احادیث پیامبر (ص) و از نگاه صحابه و امامان معصوم (ع) بیان نماید و فضائل و جایگاه دینی آنان را با استفاده از آیات قرآن و احادیث پیامبر (ص) تبیین کند و مطرح نمودن بی‌شمار و مکرر آنان را در قرآن و احادیث یادآور شود.

اهداف یادگیری

- دانشجو با مطالعه این بخش قادر خواهد بود:
۱. اهل بیت (ع) را از نظر لغت معنا کند و مصداق آن را بشناسد.
 ۲. آیات مربوطه به اهل بیت (ع) را شناسایی کند.
 ۳. دیدگاه‌های متفاوت درباره‌ی آیات مربوط به اهل بیت (ع) را بداند و مورد نقد و بررسی قرار دهد.

۴. نظریه‌ی درست درباره‌ی تفسیر آیات مربوط به اهل بیت (ع) را بدانند.
۵. با کتاب‌های مهم در حوزه این مباحث آشنا شود.
۶. هدف از طرح آیات فراوان را درباره‌ی اهل بیت (ع) به دست آورد.

۱.۱. مفهوم اهل بیت (ع)

اصطلاح اهل بیت (ع) علیهم السلام در قرآن و احادیث پیامبر (ص) همراه با بار ارزشی مثبت در اعتقادات بیان شده است. پذیرش این اصطلاح در سرنوشت انسان و جامعه تأثیر به‌سزا دارد.

برای «اهل بیت (ع)» واژه‌های مترادفی که کارکرد مشابه در فرهنگ دین دارند در قرآن و احادیث نبوی به‌کاررفته است همچون «آل - عترت» که همان معنا را با همان بار ارزشی و حقوقی بیان می‌کند. در کنار این سه واژه‌ی هم‌معنا واژگان دیگری نیز با کارکردی نزدیک به این سه، در احادیث و قرآن آمده است که دقت و تأمل در کاربرد آن‌ها معنای این سه واژه را واضح و مراد از آن‌ها را بیان می‌کند. این واژه‌ها عبارتند از: ذریه، ذی القربی، ورثه «وارث»، اوصیا «وصی»، خلفا «خلیفه» و مانند آن.

لغت‌شناسان واژه‌های «اهل» و «آل» را هم‌معنا و مترادف می‌دانند. ابن‌منظور گوید: آل مرد یعنی اهل او. آل الله و آل رسوله یعنی اولیای او. اصل آل، اهل بوده و «هاء» تبدیل به همزه شده و «آل» شده و چون دو همزه متوالی بوده تبدیل به الف شده است مثل اسم‌های آدم و آخر و افعال اامن و اازر.

اهل شخص به معنای افرادی است که نسبت ویژه و پیوند محکم خانوادگی با شخص دارند. اهل مسجد یعنی آنان که به مسجد زیاد رفت‌وآمد می‌کنند.

ابن‌منظور گوید: اهل بیت (ع) یعنی ساکنان خانه، اهل مرد یعنی ویژه‌ترین افراد نسبت به او اهل بیت (ع) پیامبر یعنی همسران، دختران و داماد او یعنی علی ابن ابیطالب^۱.

ابن فارس به نقل از خلیل ابن احمد اهل مرد را همسر او دانسته و «تأهل» را به معنای ازدواج گرفته است و اهل بیت (ع) را ساکنان خانه دانسته و «اهل اسلام» را

اهل بیت (ع) در قرآن ۳

گروندگان به اسلام معنا کرده است.^۱ راغب اصفهانی در کتاب «مفردات» نوشته است: اهل مرد یعنی کسانی که با او خویشاوند یا هم‌کیش یا هم‌شهری یا هم‌رشته و هم‌صنعتند. اهل مرد در اصل یعنی: آنان که با او در یکجا ساکن‌اند. سپس مجازاً به خویشاوندان او هم گفته شده است؛ و وقتی به‌صورت مطلق «اهل‌بیت (ع)» گفته می‌شود، مراد خاندان پیامبر (ص) است.^۲

فیروزآبادی گفته است: اهل مرد یعنی عهده‌داران کار، اهل‌بیت (ع) یعنی ساکنان خانه، اهل مذهب یعنی: معتقدان به آن، اهل مرد یعنی همسر او، اهل پیامبر یعنی همسران، دختران و دامادش علی‌بن‌ابیطالب یا همسران او و مردانی که از خاندان اویند.^۳

البته برخی از لغت‌دانان، اهل را حقیقتاً شامل همسر نمی‌دانند و تنها بر وابستگی نسبی اطلاق می‌کنند و اگر در کاربردی، شامل همسر نیز شود آن را مجاز می‌دانند. زبیدی در تاج‌العروس این دیدگاه را دارد. او می‌گوید: ریشه‌ی اهل از آل است و آل در لغت به معنای «رجع» یعنی «برگشت» آمده است؛ و «آل شخص» بر کسانی اطلاق می‌شود که حقیقتاً به آن شخص رجوع دارند و این تنها شامل خویشان نسبی می‌شود نه سببی.^۴

روایاتی که از پیامبر (ص) نقل شده اهل را در برابر همسر به‌کاربرده است بنابراین از نظر آن حضرت اهل یا آل شامل همسر نمی‌شود. سیوطی در جامع‌الصغیر از پیامبر (ص) نقل می‌کند که خطاب به دخترش فاطمه فرمود: تو ای فاطمه، اولین کسی از اهل هستی که - پس از مرگ من - به من ملحق می‌شود و اولین کسی که از همسرانم به من می‌پیوندد زینب است.^۵

در صحیح مسلم آمده است که «از زید بن ارقم» درباره‌ی اهل‌بیت (ع) سؤال شد که آیا شامل همسران نیز می‌شود؟ او پاسخ داد قسم به خدا هرگز، زیرا ممکن است

۱- معجم مقاییس اللغة، واژه‌ی اهل ج ۱ ص ۱۵۰

۲- مفردات الفاظ قرآن واژه‌ی «اهل»

۳- قاموس المحيط ۲۳۱/۳

۴- تاج العروس ۲۱۷/۷

۵- جامع الصغیر ۱۶۸/۱ حدیث ۲۸۳۲

۴ اهل بیت (ع) در قرآن و حدیث

شوهر پس از مدتی زندگی با همسرش او را طلاق دهد و او به‌سوی قوم و پدرش مراجعت کند.^۱ در حدیث دیگری افزوده است که نشانه‌ی اهل‌بیت (ع) آن است که صدقه (زکات) بر آنان حرام است.^۲

در این باره در حضور مأمون عباسی در مرو بین امام رضا (ع) و دانشمندان بحثی مطرح شد. آنان معتقد بودند که عترت و آل و اهل‌بیت (ع) معنای اعم از فرزندان را دارد ولی امام رضا (ع) نمی‌پذیرفت. ادامه‌ی بحث چنین است:

دانشمندان پرسیدند یا ابالحسن - امام رضا - پاسخ‌ده که آیا عترت همان آل است یا نه؟ امام (ع) فرمود: بله «عترت» به معنای «آل» است. دانشمندان گفتند: از پیامبر (ص) حدیثی به ما رسیده است که فرمود: «أُمَّتِي آلِي» امت من همان آل من است؛ و این خبر مستفیض و غیرقابل انکار است. پس معنای آل محمد همان امت اسلامی است.

امام رضا (ع) در پاسخ فرمودند: آیا صدقه بر آل محمد (ص) حرام است یا حلال؟ گفتند: حرام است. امام پرسید: آیا گرفتن صدقه بر امت اسلامی جایز است یا نه؟ گفتند جایز است امام فرمود: این تفاوت معنای آل با امت است.^۳ توضیح مطلب این است که آل به معنای اولاد است. «آل» و «اهل» هم به یک معنا است، عترت هم به معنای آل است پس آن هم به معنای اولاد است. اگر دلیلی داشتیم که فرد دیگر را در دایره‌ی معنای آل و عترت داخل کند، مجازاً می‌پذیریم و اگر دلیلی نداشتیم به همان معنای لغوی اولیه اکتفا می‌کنیم؛ بنابراین ممکن است در جایی پیامبر (ص) واژه‌ی اهل‌بیت (ع) را استعمال کند و مرادش امت اسلامی باشد یا آنکه همسرانش را نیز شامل گردد یا دامادش را نیز در برگیرد یا از باب تشریف، دیگران همچون سلمان فارسی را نیز داخل در مصداق اهل‌بیت (ع) نماید ولی اگر دلیل معتبر نداشتیم هرگاه معنای آل یا اهل اضافه‌ی به شخص شود «اهلی» مقصود فرزندان و همسران اوست و اگر «اهل‌بیت (ع)» به کار رود خود شخص را هم شامل می‌گردد.^۴ در آیه‌ی تطهیر از معنای لغوی خارج

۱- صحیح مسلم ۱۸۷۳/۴

۲- صحیح مسلم ۱۸۷۴/۴ حدیث ۳۷

۳- عیون اخبار الرضا، ج ۱ ص ۲۲۹ حدیث ۱

۴- مکارم شیرازی پیام قرآن ۱۴۰/۹

شده و معنای اصطلاحی یافته است که با توجه به کاربرد پیامبر (ص) معنای آن را درمی یابیم.

۲.۱. آیات قرآن و اهل بیت (ع)

در روایات امامان اهل بیت (ع) آمده است که بخش عمده‌ای از آیات قرآن درباره «اهل بیت (ع)» است. تعبیرهای روایات با یکدیگر متفاوت است و سرجمع همه‌ی آنها آن است که گفته شود بخش بزرگی از آیات قرآن درباره‌ی اهل بیت (ع) است. به یک نمونه از کتاب «کافی» اشاره می‌شود. کلینی در کتاب کافی به سند خود از اصبع بن نباته روایت می‌کند که امیرالمؤمنین (ع) فرمود: محتوای قرآن سه بخش است بخشی از آیات قرآن درباره‌ی ما اهل بیت (ع) و دشمنان ماست و بخش دوم درباره‌ی سنن و امثال - مسائل اعتقادی و اخلاقی - است و بخش سوم درباره‌ی فرائض و احکام - مسائل حقوقی^۱. مقصود این روایت و روایت‌های مشابه در این باره چیست؟ اگر به شأن نزول آیات قرآنی توجه شود ملاحظه می‌گردد که طرح موضوع اهل بیت (ع) در قرآن چند صورت دارد:

- آیاتی که اهل بیت (ع)، سبب نزول آیه بودند مانند آیه‌ی إطعام در سوره‌ی انسان، آیه‌ی پرداخت زکات در حال رکوع، آیه‌ی لیلةالمیت و...
- آیاتی که اهل بیت (ع) موضوع آیه بودند مانند آیه‌ی خمس، سوره کوثر، آیه‌ی تطهیر.
- آیاتی که به تفسیر و تأویل خود اهل بیت (ع) بر آنان تطبیق شده است: این دسته آیات فراوان است و کتاب‌های شأن نزول یا تفاسیر روایی همچون البرهان و نورالثقلین و تفاسیر اجتهادی-روایی همچون الصافی آنها را نقل کرده‌اند مانند تطبیق «نجم»، «النفس المطمئنه»، «بقية الله»، «البحرین»، «اللؤلؤ والمرجان» و... بر اهل بیت (ع).
- آیاتی که گرچه بر دیگران نیز قابل تطبیق‌اند، اهل بیت (ع) «مصدق تام» آنها به

۱- کافی ۶۲۷/۲ حدیث ۲: عن الاصبع بن نباته قال: سمعت امیرالمؤمنین (ع) يقول نزل القرآن اثلاثا. ثلث فینا و فی عدونا و ثلث سنن و امثال و ثلث فرائض و احکام

۲- شأن نزول یعنی موضوع یا حادثه‌ای که آیه قرآن درباره‌ی آن نازل می‌شود. خواه این حادثه خود سبب نزول آیه شده باشد یا این که موضوع تاریخی باشد که آیه ابتداء به ساکنان بدان پرداخته باشد یا این که پرسشی بوده است که آیه در پاسخ آن نازل شده باشد یا موضوعی است که آیه تبیین و طرح آن را مهم دانسته است.

۶ اهل بیت (ع) در قرآن و حدیث

حساب می‌آیند؛ مانند آیاتی که عبارات «یا ایها الذین آمنوا»، «عبادی»، «اهل الذکر»، «صادقین» و... را در بردارد.

شبهه چهار دسته آیات یادشده، درباره‌ی دشمنان اهل بیت (ع) نیز وجود دارد. مثلاً آیات «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ» (زمر/۹)، «هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ» (رعد/۱۶) که بخشی از آیه ناظر به اهل بیت (ع) و شیعیان آنها است و بخشی از آیه ناظر به دشمنان اهل بیت (ع) و پیروان آنها است. تمامی آیاتی که درباره‌ی پیامبر (ص) و دشمنان آن حضرت است در این مجموعه جای دارد؛ بنابراین بخش معظمی از آیات قرآن ناظر به اهل بیت (ع) است که مفسران آنها را مطرح نموده‌اند یا در کتاب‌های حدیثی گردآمده است.

در این کتاب تنها آیاتی را مطرح می‌سازیم که درباره‌ی مجموعه‌ی اهل بیت (ع) نازل شده است و ناظر به شأن و مقام آنها است و دارای بار حقوقی و سیاسی و اعتقادی تأثیرگذار است؛ بنابراین به دو دسته آیات درباره‌ی اهل بیت (ع) می‌پردازیم که دیدگاه شیعه و سنی درباره‌ی آنها مشترک است و این‌گونه مباحث می‌تواند در همدلی و وحدت آنان تأثیرگذار باشد.

الف) آیاتی که به واژه‌ی اهل بیت (ع) یا مرادف آن تصریح نموده که عبارت است از: آیه‌ی اهل بیت (ع) یا تطهیر و آیه ذی‌القربی یا مودت.

ب) آیاتی که گرچه اصطلاح اهل بیت (ع) یا آل یا عترت را به کار نبرده اما به کمک احادیث صحیح نبوی به نقل شیعه و سنی راجع به اهل بیت (ع) است که عبارت است از: «آیه‌ی مباحله»، «آیه‌ی صلوات»، «آیه‌ی اولی‌الامر» و «آیه‌ی صادقین». در نتیجه در این بخش تنها شش آیه به بحث گذاشته می‌شود. در پایان به آیات دیگر اشاره خواهد شد.

۳،۱ چرا نام اهل بیت (ع) در قرآن نیامده است؟

ممکن است سؤالی به ذهن بیاید که اگر به نام اهل بیت (ع) در قرآن تصریح می‌شد موجب رفع اختلاف نظر در میان علماء و مسلمانان می‌گشت و نیاز به طرح مباحث پیرامونی در این موضوع نبود. آیا بهتر نبود به مصداق اهل بیت (ع) یا ذی‌القربی یا اولی‌الامر و مانند آن تصریح می‌شد؟ در پاسخ چند مطلب قابل طرح است:

- شیوهی هدایت‌گری و تربیتی قرآن بر عدم تصریح به نام افراد معاصر است چه از دوستان یا از دشمنان، در تمام قرآن از معاصران پیامبر تنها نام یکی از مسلمان و یکی از دشمنان آمده است.

زیدبن حارثه از مسلمانان در سوره‌ی احزاب آیه ۳۷ نامش آمده است و ابولهب از دشمنان اسلام در سوره‌ی «مسد» آیه ۱ که هر دو در زمان حیات پیامبر (ص) از دنیا رفتند و پس از آن حضرت نام هیچ‌کس از معاصران و آیندگان چه از دوستان یا دشمنان در قرآن نیامده است.

- عدم طرح نام موجب نگرانی یا گمراهی در فهم آیات نیست، زیرا قرآن راه‌کار فهم و شناخت مصادیق آیات یا جزئیات احکام و مقررات شرعی را به رسول خدا (ص) واگذار نموده است و مسلمانان وظیفه دارند برای فهم معانی یا مراد آیات یا تفصیل احکام و موضوعاتی که در قرآن به صورت مجمل یا موجز بیان شده است به پیامبر (ص) مراجعه کنند. البته مسلمانان نیز در فهم آیات یا عمل به احکام این مطلب را دریافت نموده و مشکلی نداشتند، لذا با آنکه در قرآن احکام شریعت بسیار خلاصه و گاه تنها اصل موضوع مطرح شده است، مسلمانان، رسول خدا (ص) را مصدر و منبع فهم احکام می‌دانسته‌اند و جزئیات احکام نماز و روزه و خمس و زکات و حج و تجارت و احکام کیفری همچون حدود و دیات و مانند آن را از سنت پیامبر (ص) دریافت می‌کردند زیرا قرآن خود فرمان داده است که «هر آنچه» از احکام و معارف که پیامبر به شما عرضه می‌دارد بپذیرید و از هر چه شما را بازمی‌دارد بازایستید. (حشر/ ۷) و به پیامبر (ص) می‌آموزد «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ» (نحل/ ۴۴) قرآن را بر تو فرو فرستادیم تا تو آن را بر مردم توضیح دهی و روشن نمایی. ابو بصیر در روایتی از امام صادق استدلال یادشده فوق را روایت کرده است.^۱

- حکمت دیگر واگذاری تبیین و توضیح آیات از سوی قرآن «حجیت» بخشیدن به سنت پیامبر (ص) است تا در کنار قرآن، سنت نبوی نیز مورد اهتمام مسلمانان قرار گیرد. البته خود پیامبر نیز سنت خود را توسعه داده و شامل سنت معصومان از خاندانش نموده است و لذا در کنار «کتاب الله» و «سنة النبی»، بر اساس روایات معتبر و بلکه متواتر «سنت عترت» معتبر شمرده شده است. به بخشی از این روایات

در همین کتاب اشاره خواهد شد.

- حکمت دیگری نیز در این باره متصور است و آن «امتحان» امت اسلام به پیامبر (ص) است. خداوند همان گونه که هر امتی را به چیزی مورد امتحان قرار داد، یک قوم را به شتر به عنوان آیت الهی و یک قوم را به هارون به عنوان جانشینی حضرت موسی (ع) و یک قوم را به حضرت عیسی (ع) آزموده است و برخی در این آزمون سربلند بیرون آمدند و برخی مردود گشتند. امت اسلامی را نیز با ارجاع فهم دین و اخذ قوانین شریعت از پیامبر اسلام (ص) آزموده است تا ثابت شود که چه کسی از پیامبر (ص) اطاعت کامل و چه کسی اطاعت ناقص یا مصلحت سنجانه و گزینشی می کند و این موضوع ملاک مهمی در تشخیص مسلمانان واقعی و خالص از غیر آن گشته است. در قرآن به این مطلب اشاراتی شده است که برخی نسبت به دستورات پیامبر می گویند: «سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا» (نور/۵۱) و برخی نه احترام پیامبر (ص) را پاس می دارند و نه حرمت سخنانش را (حجرات/۲ و ۳) و برخی بخشی از اسلام را که مطابق میل و خواسته های آنهاست می پذیرند و بخشی از اسلام را نه «وَيَقُولُونَ نُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَنَكْفُرُ بِبَعْضٍ» (نساء/۱۵۰) در حالی که قرآن می گوید هر آنچه که پیامبر (ص) می فرماید در هر جایگاهی که هست (جایگاه تفسیر و تبیین، جایگاه رهبری، جایگاه قضاوت و جایگاه تشریع احکام) باید پذیرفت.^۱

در سنن ترمذی و مستدرک حاکم از پیامبر (ص) حدیثی نقل شده است که فرمود: يوشك الرجل متكئاً في اريكة يحدث من حديثي فيقول: بيننا وبينكم كتاب الله- عزوجل- فما وجدنا فيه من حرام حرّمناه الا و انّ ما حرّم رسول الله مثل ما حرّم الله...^۲

«به زودی مردی بر اریکه قدرت تکیه می زند و چون از حدیث من سخنی به میان می آید می گوید: بین ما و شما کتاب خداست. هرچه حلال در آن یافتیم حلال می شمیریم و هرچه در آن حرام یافتیم حرام می دانیم. سپس پیامبر ادامه داد- آگاه باشید هر آنچه را رسول خدا حرام کرد همانند آن چیزی است که خداوند حرام کرد است...»

این پیشگویی پیامبر (ص) بلافاصله پس از حیات آن حضرت، خود را نشان داد و برخی از سردمداران و خلفاء بین احادیث یا سنت پیامبر (ص) با قرآن تفاوت قائل شده

۱- سوره های توبه /۱۲۰- نساء/۶۵- حشر/۸۱

۲- سنن ترمذی ۱۱۰/۲ - مستدرک حاکم نیشابوری ۸/۱

و رسماً نقل و کتابت احادیث نبوی را ممنوع کردند و احادیث مکتوب آن حضرت را سوزاندند،^۱ گرچه علمای دوره‌ی بعد این رفتار را نپسندیدند و اقدام به جمع‌آوری احادیث پیامبر نمودند که البته دیر شده بود و پیامدی ناگوار بر سنت پیامبر (ص) و تاریخ اسلام به جای گذاشت.

- با نگاهی به تاریخ اسلام و سرگذشت کتاب‌های آسمانی پیشین حکمت مهمی را برای عدم طرح نام جانشین پیامبر یا اهل بیت (ع) آن حضرت می‌توان فهمید و آن حفظ قرآن از «خطر تحریف» است که قرآن وعده‌ی قطعی آن را داده است و راه عملی ساختن این وعده‌ی الهی را عدم طرح نام‌های دوستان و دشمنان به‌ویژه منافقان در قرآن دانسته است و گرنه قرآن بازیه‌ی صاحبان قدرت می‌شد؛ اما با عدم طرح نام‌ها و اکتفا به کلیات و نشانه‌ها موجب گردید صاحبان قدرت با همه‌ی ظلم‌ها و جنایات و ارتکاب زشتی‌ها به قرآن احترام بگذارند و در حفظ و نشر و ترویج آن بکوشند.

اما اگر چنین نبود طمع‌ورزی دشمنان به قدرت، برای حرمت‌شکنی قرآن و پیامبر مرزی باقی نمی‌گذاشت، تاریخ به‌روشنی نشان می‌دهد که با خاندان پیامبر با همه‌ی سفارش‌ها و دستورات وارده چه برخوردی صورت گرفت که به گفته‌ی امام حسن مجتبی (ع) از قول پیامبر: ما منا الالمسموم او مقتول^۲ همه‌ی ما امامان اهل بیت (ع) را با زهر یا شمشیر خواهند کشت. در مقتل الحسین خوارزمی به سندش از امام حسین (ع) از رسول خدا (ص) نقل می‌کند که پیامبر (ص) به (امام علی و فاطمه و حسن و حسین) علیهم السلام رو کرد و گریست و فرمود: انّ حبیبی جبرئیل اُتانی فأخبرنی أنّکم قتلی و أنّ مصارعکم شتیّ فدعوت الله لکم و احزنی ذلک^۳. «جبرئیل برایم خبر آورد که شما خاندان همگی کشته خواهید شد و قبر هایتان از یکدیگر جدا خواهد بود. برای شما دعا نمودم و این موضوع مرا غمگین ساخته است.»

در دعای ندبه، امام صادق (ع) به طور کلی به سرگذشت اهل بیت (ع) اشاره می‌کند: فقتل من قتل و سبی من سبی و اقصی من اقصی... فعلى الاطائب من اهل بیت (ع) محمد و علی صلی الله علیهما و آلهما فلیبک الباکون و ایاهم فلیندب

۱- رک: علامه عسکری، مقدمه‌ی مرآة العقول ج ۱ ص ۳۰-۳۲

۲- ری شهری- اهل البیت فی الکتاب و السنه ص ۴۷۷ و ص ۴۸۳

۳- همان ص ۴۸۲

النادیون و لمثلهم فلتذرف الدموع و لیصرخ الصارخون و یضح الضاحون و یعجّ العاجون...^۱

«بعضی از خاندان پیامبر کشته و برخی اسیر و عده‌ای تبعید شدند... پس بر پاکان از خاندان محمد (ص) و علی (ع) باید گریست و ناله زد و اشک ریخت و فریاد کشید.» اگر با وجود همه سفارشات درباره‌ی اهل بیت (ع) بلافاصله پس از رحلت پیامبر (ص) با این خاندان آن گونه برخورد کردند که به آن اشاره شد و اگر با وجود همه‌ی سفارش‌های پیامبر درباره‌ی حفظ سنتش و نگه‌داری و ترویج احادیث پیامبر (ص) که امروز همه‌ی علمای اسلام از شیعه و سنی بر آن اتفاق نظر دارند، بلافاصله همه‌ی احادیث مکتوب آن حضرت را سوزاندند و بر نویسندگان و ناقلان احادیث آن حضرت سخت گرفتند و برخی را مجازات کردند تا آن‌که نزدیک به یک‌صد و پنجاه سال، حدیث به صورت مکتوب در اختیار مسلمانان قرار نداشت.^۲ احتمال اینکه با قرآن نیز چنین برخوردی صورت گیرد بسیار محتمل و خطرناک بود. البته ایده‌های حضرت محمد (ص) توسط احادیث به نسل‌های بعد انتقال یافت و بودند و هستند کسانی که قدرت درک مراد آن حضرت را دارند و به همه دستورات آن حضرت بدون تبعیض، احترام می‌گذارند و از آن‌ها پیروی می‌کنند، ولی خطر بزرگ تحریف قرآن به نقشه‌ی الهی برطرف گشت.

نکته یادشده در فهم آیات مربوط به اهل بیت (ع) تأثیرگذار است و پاسخ سوالات و ابهامات درباره حکمت قرار گرفتن برخی از آیات مربوطه در میان آیات دیگر که به ظاهر نامربوط است را می‌دهد.

۴،۱. آیاتی که با تفسیر احادیث معتبر درباره‌ی اهل بیت (ع) است

۱،۴،۱. آیه‌ی تطهیر (اهل بیت (ع))

إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا (احزاب / ۳۳) «خداوند چنین اراده کرده است که هر پلیدی را از شما خاندان نبوت دور سازد و شما را از هر

۱- بحارالانوار ج ۱۰۲ ص ۱۱۰-۱۰۴- علامه مجلسی در کتاب زادالمعاد می‌گوید: دعای ندبه به سند معتبر از امام صادق روایت شده است.

۲- به کتاب‌های تدوین الحدیث یا تدوین السنه یا تاریخ حدیث مراجعه شود. همچنین مراجعه شود به المراجعات- سید شرف‌الدین نامه ۸۴

عیب کاملاً پاک و منزّه گرداند».

ابن حجر مکی در «صواعق» می‌گوید:

«پیامبر خدا در خانه‌ی ام سلمه، علی و فاطمه و حسن و حسین (علیه‌السلام) را صدا زد و عبای خود را روی خود و آن چهار تن کشید و گفت: خدایا اینها اهل بیت (ع) من هستند، هرگونه پلیدی را از آنان دور ساز و پاکشان گردان. ام سلمه گفت یا رسول الله آیا من هم از اهل بیت (ع)م؟ فرمود: نه تو بر خیر هستی تو از همسران منی اما از اهل بیت (ع) من نیستی». این حدیث با اندکی تفاوت در تعبیر، توسط تعدادی از صحابه همچون امام حسن (ع) عایشه، ام سلمه، عبدالله ابن عباس، سعد ابن ابی وقاص، ابو الدرداء، انس ابن مالک، ابو سعید خدری، واثله ابن اسقع، جابر ابن عبدالله انصاری، زید ابن ارقم، عمر ابن ابی سلمه، ثوبان مولی رسول الله (آزادشده‌ی پیامبر) و... نقل شده است. فخر رازی در تفسیر خود می‌گوید: این روایت گویا بر صحت آن نزد مفسران و اهل حدیث اتفاق نظر است.^۱

ابن تیمیه در «منهاج السنه» می‌گوید: حدیث کسا از احادیث صحیح‌السندی است که احمد حنبل و ترمذی از ام سلمه و مسلم نیشابوری در صحیح خود از عایشه نقل نموده است.^۲

ابن حجر مکی نیز می‌گوید: این حدیث از پیامبر (ص) به ما رسیده است.^۳

این حدیث را مسلم در صحیح، ترمذی در سنن، احمد حنبل در مسند، حاکم نیشابوری در المستدرک علی الصحیحین و تعداد زیاد دیگر از محدثان نقل کرده اند.^۴

در حدیث کساء چند نکته به چشم می‌خورد:

- پیامبر آیه‌ی تطهیر را برپنج تن تطبیق داد، پس مصداق آیه‌یا شأن نزول آیه معلوم می‌گردد.^۵

۱- تفسیر فخر رازی ۸/۸۰ ذیل آیه مباهله (آل عمران/۶۱)

۲- منهاج السنه ۱۳/۵

۳- الصواعق المحرقة ص ۸۵

۴- صحیح مسلم با شرح نووی ۱۹۴/۱۵ کتاب فضائل صحابه- سنن ترمذی ۳۰/۵ مسند احمد حنبل ۳۳۰/۱ مستدرک حاکم ۱۳۳/۳ و ۱۴۶ و ۱۴۷ و ۱۵۸ و ۴۱۶/۲

۵- تفاوت بیان مصداق و بیان شأن نزول آن است که در بیان مصداق ابتدا ایه نازل می‌شود سپس پیامبر آن آیه را بر شخصی و یا کاری یا چیزی یا حادثه‌ای تطبیق می‌کند و می‌گوید که مراد آیه این است؛ اما در شأن نزول، آیه ابتداء درباره‌ی آن موضوعات نازل می‌شود و آیه مربوط به آن موضوعات است و پیامبر تنها آن را اعلام

- گرچه پیامبر (ص)، علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام را اهل بیت (ع) خود معرفی نمود اما آیه چون خطاب به پیامبر (ص) هم هست پس پیامبر (ص) نیز مشمول واژه اهل بیت (ع) می گردد. آن حضرت در احادیثی خود را از اهل بیت (ع) شمرده است. طبری و سیوطی از ابو سعید خدری روایت کرده اند که پیامبر (ص) فرمود: «نزلت هذه الآية في خمسة: فيّ و في علي و الحسن و الحسين و فاطمه: إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» لذا پیامبر در احادیث فراوانی خود را از اهل بیت (ع) شمرده و با آنان یکی دانسته و مثلاً فرموده است «من أحبنا اهل البيت، من ابغضنا اهل البيت و...» هر کس با ما اهل البيت دوستی ورزد یا دشمنی کند و...

- همسران پیامبر مشمول اهل بیت (ع) نمی گردند و تحت عنوان «ازواج النبی» یا «نساء النبی» قرار دارند، چنان که در همه ی نقل های روایت، ام سلمه از پیامبر درخواست نمود که از اهل بیت (ع) شمرده شود اما پیامبر او را پس می زند و می فرماید: تو همسر نیکی هستی ولی مشمول اهل بیت (ع) نمی گردی بلکه تو همسر پیامبری. در روایتی همسران خود زینب و عایشه را همچون ام سلمه از مشمول اهل بیت (ع) خارج نمود.

- علی ابن ابیطالب با آن که داماد پیامبر است اما به تصریح پیامبر (ص) مشمول اهل بیت (ع) می گردد و لذا در کتاب های لغت، علی را به عنوان داماد پیامبر (ص) از اهل بیت (ع) یا آل محمد شمرده اند.^۱ ابن حجر در صواعق می گوید: قال ابوبکر: **علی عتره رسول الله (ص) علی (ع)** از اهل بیت (ع) پیامبر (ص) است.^۲

- با توجه به احادیث منقول از پیامبر (ص) و علی (ع) ۹ تن از فرزندان معصوم امام حسین (ع) نیز مشمول اهل بیت (ع) می گردند؛ بنابراین اهل بیت (ع) شامل چهارده معصوم می شود نه کمتر و نه بیشتر و اگر کسی این عنوان را بر خود یا بر غیر چهارده معصوم اطلاق نمود، استعمال مجازی کرده است و مرادش اعلام وابستگی نسبی یا سببی یا تشریفی به پیامبر بوده است نه اینکه مصداق آیه تطهیر باشد. مثلاً در

می کند صحابه نیز به عنوان گزارشگر و شاهد می توانند شأن نزول را بیان کنند.

۱- لسان العرب ۲۹/۱۱ واژه ی اهل، قاموس المحيط ۳۳۱/۳ واژه اهل

۲- الصواعق المحرقة ص ۱۹

حدیثی، پیامبر (ص) همه‌ی پرهیزکاران را آل محمد نامید یا امام باقر همه‌ی شیعیان را مشمول اهل بیت (ع) دانست^۱ و مراد آن‌ها انتساب تشریفی مومنان به خود بوده است مانند اینکه کسی به فردی از روی محبت یا پاداش معنوی بگوید تو فرزند منی یا مادر منی یا به او مدرک افتخاری دکتری و مانند آن بدهد.

از قول عمر ابن خطاب نقل شده است که از پیامبر (ص) پرسید: یا رسول الله عترت و خاندان تو چه کسانی هستند؟ فرمود: «اهل بیت (ع) ی من ولد علی و فاطمه و تسعه من صلب الحسین ائمه ابرار هم عترتی من لحمی و دمی»^۲ «اهل بیت (ع) من از فرزندان علی و فاطمه که عبارتند از نه نفر از فرزندان حسین، امام پاکند آنان خاندان من اند و از گوشت و خون من هستند».

از قول امام حسین (ع) از پیامبر (ص) نیز نقل شده است که فرمود: از پیامبر (ص) پرسیدند: «فمن اهل بیت (ع) ک یا رسول الله؟» چه کسانی اهل بیت (ع) شمايند ای پیامبر؟ فرمود: علی و دو نوه‌ی من و ۹ تن از فرزندان حسین که امام و امین و معصومند. حضرت ادامه داد: «الا انهم اهل بیت (ع) ی و عترتی من لحمی و دمی»^۳.

سید شرف‌الدین عاملی در کتاب المراجعات می‌نویسد: «مراد از اهل بیت (ع) پیامبر (ص) مجموعه‌ی چهارده معصومند به اعتبار اینکه اینها امام اهل بیت (ع) اند نه همه‌ی فرزندان پیامبر (ص)، زیرا جایگاه اهل بیت (ع) - از نظر اعتقادی و حقوقی و سیاسی - تنها شایسته‌ی چهارده معصوم است و بس. برخی از دانشمندان اهل سنت نیز به این مطلب تصریح نموده‌اند. ابن حجر مکی در الصواعق المحرقة از قول برخی نقل کرده است که: احتمال دارد مراد از اهل بیت (ع) که امان برای مردماند دانشمندان از خاندان پیامبر (ص) باشد - نه همه فرزندان پیامبر زیرا تنها آن‌هايند که همچون ستارگان، عامل هدایت بشرند و اگر همگی نابود شوند بشریت نابود خواهد شد»^۴.

- اراده در آیه‌ی تطهیر «اراده‌ی تکوینی» است یعنی خداوند همه‌ی شرایط تکوینی و حتمی را برای پاک بودن اهل بیت (ع) فراهم ساخته است و باوجود آن شرایط امکان

۱- اهل البيت في الكتاب و السنة ص ۵۴۷

۲- همان ص ۴۸

۳- همان ص ۵۱

۴- واحدی نیشابوری اسباب النزول واحدی ص ۳-۲ و الصواعق المحرقة ص ۱۴۳ و مسند احمد حنبل ۶/۲۹۲ و سنن بیهقی ۵/۱۱۲ ح ۸۴۰۹

ندارد که یکی از چهارده تن از طهارت ذاتی و تکوینی خارج گردد. آیهی کریمه نوعی حکایت و خبر قطعی از سنت و قانون الهی دربارهی اهل بیت (ع) است. ارادهی تکوینی و مشیت الهی بر این قرار گرفته که آن‌ها را پاک سازد و از هر گونه گناه حفظ کند و از شر شیطان و هوای نفس نگه دارد و می‌دانیم که ارادهی خدا تخلف‌ناپذیر است. هیچ چیز در عالم نمی‌تواند مانع تحقق ارادهی الهی شود مگر آنکه ارادهی خدا مشروط باشد درحالی‌که برای تطهیر اهل بیت (ع) هیچ شرطی وجود ندارد.^۱ تطهیر اهل بیت (ع) یک امتیاز برای این چهارده نفر است. علت تعلق تطهیر به این چهارده نفر همان است که دربارهی انبیاء و به‌ویژه پیامبران اولوالعزم دارای کتاب و شریعت جاری است. هرگونه که در آنجا توجیه کنیم در اینجا نیز مطرح است و خلاصه‌ی آن چنین است که:

لازم است افرادی باشند تا پیام خداوند را آن گونه که مراد واقعی خداست به مردمان برسانند و لذا باید از هر گناه و خطایی پاک باشند و چنین افرادی باید از ناحیهی خود خداوند به مردمان معرفی گردند زیرا برای مردم قابل شناسایی نیستند: «اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ» (انعام/۱۲۴).

«ارادهی تشریعی» خدا برای طهارت شامل همه‌ی بشریت است، یعنی خداوند از طریق قرآن «وحی بی واسطه» و از طریق حدیث پیامبر (ص) خود «وحی باواسطه» از همه‌ی انسان‌ها خواسته است که گرد گناه نگردند و پاک باشند و هیچ تفاوتی بین بندگان خدا در این باره نیست مانند آیه‌های: إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ (بقره/۲۲۲) وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ (مائده/۶) وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَ الْمُؤْمِنُونَ (نور/۳۱) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ (آل عمران/۱۰۲). طهارت تشریعی که مطلوب خداوند است در باتقوا بودن و مسلمان زیستن و گناه نورزیدن و حداقل مرتبه آن گناه را ترک نمودن و به‌سوی خدا توبه کردن است.

همه‌ی انسان‌ها موظف‌اند خود را از گناه پاک نگه‌دارند. این ارادهی خداوند از طریق شریعت به اطلاع همه‌ی مردمان رسیده است اما سیاق آیهی تطهیر و بیان آن با دیگر آیات متفاوت است، زیرا آیه در مقام بیان فضیلت بوده و تأکید بر آن دارد و با

۱- حاکم حسکانی در «شواهد التنزیل» ر ک، ج ۲ ص ۱۸-۱۴۰ و ابوجعفر احمد طحاوی در «مشکل الآثار» ج ۱ ص ۳۳۲ نیز چنین دیدگاهی دارند.

تعبیرهای مختلف این مطلب را بیان نموده است. «انما»: برای تاکید و حصر است یعنی این ویژگی متعلق به اهل بیت(ع) است نه دیگران: «یرید» برای بیان اراده‌ی حتمی خداوند است. هرکجا در قرآن خداوند با واژه‌ی «یرید» و «نرید» و «اراد» اراده تکوینی خود را بیان نموده است اشاره به حتمیت وقوع آن دارد (مائده ۱۷، رعد ۱۱، فتح ۱۱، قصص ۵). «ل» در لِيُذْهِبَ برای تاکید است «یذهب» صیغه‌ی مضارع است و نشانه‌ی استمرار است و تاکید و استمرار و بقای مطلب را می‌رساند «عنکم» بر الرجس مقدم شده تا تاکید تطهیر این خانواده و تنها این خانواده را برساند. «اهل بیت(ع)» این کلمه برای تمایز یافتن از قبل و بعد خود یعنی برای جدا کردن این خانواده از مجموع همسران آمده است زیرا قبل و بعد از کلمه‌ی «اهل بیت(ع)» سخن درباره‌ی همسران پیامبر است شش ضمیر قبل از آیه تطهیر و دو ضمیر بعد از آن و با صیغه‌ی جمع مؤنث ادا می‌شده است، اما به یکباره ادبیات سخن عوض می‌شود و ضمیر جمع مؤنث «ن» و «کن» تبدیل به «کم» یعنی ضمیر جمع مذکر می‌شود و اهل بیت(ع) با ضمیر جمع مذکر مورد خطاب قرار می‌گیرد تا تفاوتش از «نساء النبی» آشکار گردد.

«یطهرکم» تکرار مجدد و با بار معنایی بیشتر برای جمله‌ی قبلی «لیذهب عنکم الرجس» است. «تطهیراً» مفعول مطلق است برای تأکید در تطهیر. چنان که مشاهده می‌شود این نیم آیه تمامی ادات و ابزار لازم ادبی را برای بیان پاکی اهل بیت(ع) به کار گرفته است تا آن را به عنوان یک امتیاز مطرح نماید.

- آیه در مقام بیان «عصمت» اهل بیت(ع) است هیچ یک از دانشمندان ادعای عصمت همسران پیامبر را ننموده است. خود آنان نیز چنین ادعایی نداشته اند تاریخ نیز بیانگر اشتباهات و تخلفات برخی از همسران حضرت بوده است. بلکه آیه سی و سه سوره احزاب - آیه‌ی تطهیر- در مقام انتقاد و گلایه از همسران پیامبر می‌باشد و با عصمت ناسازگار است. در مقابل، علی و فرزندان آن حضرت را می‌بینیم که با صراحت و قاطعیت هر چه تمام‌تر ادعای عصمت می‌کنند و خود را مشمول آیه‌ی تطهیر می‌دانند. رجوع به دعاهای امام سجاد در صحیفه‌ی سجادیه^۱ و خطبه‌های امام علی(ع) درباره‌ی اهل بیت(ع)^۲ و زیارت جامعه‌ی کبیره، این مطلب را پر واضح

۱- دعای ۱۷-۳۶-۴۷-۴۸ و...

۲- خطبه‌های ۲-۸۷-۹۷-۱۰۸-۱۴۲-۱۴۴-۲۳۹

می‌سازد؛ بنابراین با توجه به بیان انتقادی ابتدایی آیه و بیان مدحی آیه‌ی تطهیر می‌توان دریافت که آیه در صدد بیان دو مطلب است، تنها ممکن است پرسیده شود که چرا آیه‌ی تطهیر به صورت جدا گانه نیامده است تا از بروز شبهه و سوال جلوگیری نماید؟ پاسخش پیشتر مطرح شد که حکمت الهی برای حفظ قرآن اقتضای آن را نموده است. اگر آیات دیگر که ناظر به عصمت یا ولایت و حکومت یعنی پیشوایی دینی و دنیایی مسلمانان است ملاحظه گردد غالباً و یا همیشه، گویی در ضمن مطالب دیگر پیچیده شده تا از گزند طالبان قدرت و دنیا پرستان در امان بماند.^۱

سوالی در این جا قابل طرح است که اراده‌ی تکوینی و حتمی خداوند بر عصمت اهل بیت (ع) آیا موجب جبر در پاکی آن‌ها نیست؟ در این صورت آیه نمی‌تواند بیانگر امتیاز و فضیلتی برای اهل بیت (ع) باشد.

پاسخ این است که معصومان دارای دو نوع شایستگی هستند «شایستگی ذاتی و موهبتی» و شایستگی «اکتسابی از طریق اعمال خویش و ملکات درونی» و از مجموعه‌ی این دو شایستگی که حداقل یکی از آن‌ها جنبه‌ی اختیاری دارد آن مقام والا حاصل می‌شود. به تعبیر دیگر اراده‌ی الهی زمینه‌های توفیق را برای وصول به این مقام والا فراهم می‌سازد و بهره‌گیری از این توفیق به اراده خود آنان بستگی دارد (دقت کنید).

ترک کردن گناه برای آنان محال عادی است نه محال عقلی، فی‌المثل محال عادی است که یک شخص عالم و باایمان شراب را با خود به مسجد ببرد و در صف جماعت علناً بنوشد ولی مسلماً این امر یک محال عقلی نیست و با اختیاری بودن این کار منافات ندارد. یا در مثال دیگر یک آدم عاقل هرگز لخت مادرزاد در کوچه و خیابان ظاهر نمی‌شود، انجام این کار برای او محال نیست بلکه سطح فکر و معرفت او اجازه نمی‌دهد چنین کاری را انجام دهد با اینکه فعل و ترک آن در اختیار اوست.

انجام گناهان برای پیامبران و امامان همین گونه است. درست است که معصوم بودن از امدادهای الهی است ولی امدادهای الهی نیز بی‌حساب نیست همان‌گونه که قرآن درباره‌ی ابراهیم خلیل می‌گوید: تا از عهده‌ی امتحانات الهی برنیامد به مقام والای

۱- همچون آیه‌ی ولایت: مائده / ۵۵، آیه ابلاغ: مائده / ۶۷، آیه‌ی کمال دین: مائده / ۳

امامت و پیشوایی خلق نرسید (بقره/۱۲۴).^۱

باید افزود که گزینش و اصطفا‌ی الهی درباره‌ی انبیا و امامان اهل بیت(ع) مبتنی بر حکمتی است که خود بدان آگاه است و بر اساس لطف و رحمت بی‌کران خود بشریت را از وجود راهنمایان و حافظان ضمانت شده‌ی شریعت محروم نکرده است و این نباید مورد اعتراض یا حسادت کسی واقع شود چنان‌که خداوند فرمود:

أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَىٰ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ (نساء/۵۴) آیا نسبت به مردم - پیامبر و خاندانش - و از آنچه خداوند از فضلش به آن‌ها بخشیده حسد می‌ورزند؟

این اعتراض همیشه از سوی مخالفان پیامبران بر خداوند وجود داشته است و قرآن اعتراضات آنان را نسبت به انتخاب پیامبران یاد نموده است. این اعتراض‌ها و مخالفت‌ها نه از امتیاز عصمت و طهارت و گزینش (اصطفای) پیامبران کم کرده است و نه به مسئولیت سنگین آنان در هدایت بشر و انتقال پیام خدا به آنان خدشه وارد نموده است چنان‌که درباره گزینش حضرت یحیی و عیسی در کودکی (مریم/ ۱۲ و ۳۰) نیز این بحث‌ها قابل طرح است.

گزینش پیامبران و امامان اهل بیت(ع) بر اساس حکمت بالغه‌ی خداوند است. ممکن است برای انتخاب خود دو انسان بیگانه با یکدیگر از نظر خانوادگی را بگزیند و ممکن است اعضای یک خانواده (دو برادر) یا یک نسل (آل ابراهیم، آل عمران) را برگزیند و به مردم معرفی نماید.^۲ دانش این گزینش و انتخاب منحصرراً در اختیار خداوند است. او از هرکس داناتر است که پیامبری را نزد چه کسی قرار دهد. (انعام/ ۱۲۴) این موضوع درباره اهل بیت(ع) پیامبر(ص) نیز جاری است.

بر اساس روایات فراوان، معرفی اهل بیت(ع) پیامبر از امام علی تا امام مهدی (علیهم‌السلام) یک دستور قاطع الهی بوده است که در آیه مبارکه: يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ (مائده/۶۷): «ای پیامبر آنچه از خدا بر تو نازل شد به خلق برسان که اگر نرسانی تبلیغ رسالت و اداء وظیفه نکرده‌ای و خدا تو را از شر و آزار مردمان محفوظ خواهد داشت. بیم مکن و دل قوی دار که خدا گروه کافران را به هیچ راه

۱- پیام قرآن ۱۳۸/۹-۱۳۹ و ر- ک پیام قرآن ۹۰/۷

۲- ان الله اصطفى آدم و نوحاً و آل ابراهيم و آل عمران على العالمين. ذرية بعضها من بعض والله سميع عليم (آل عمران/۳۳-۳۴) - و لقد أرسلنا نوحاً و ابراهيم و جعلنا في ذريتهما النبوة والكتاب... (حدید/۲۶)